

ورقه در خواستی عبدالقهار ولد عبدالفتاح مسکونه اصلی ولایت تخار و مسکونه فعلی ناحیه هفده هم
شهر کابل ،

عنوان: {حکم فسخ نمودن بیع بدون رضایت بایع}

به ریاست محترم مجمع علمی وزارت ارشاد حج و اوقاف!

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

محترما! اینجانب که شهرتم در فوق ذکر گردیده است عرض میدارم اینکه به مقدار ده بوجی مغزیسته
وطنی خویش را بالای شرکت علی سینا رسولی به فروش رسانیده که جمعا مبلغ (۱۳۰۰۰) دالر امریکایی را
احتوای نمایند شرکت متذکره به رویت یک ورق سند رسمی خویش از اعطای پول بنده در مدت بیست
یوم وعده پرداخت را نمودند، چون دو ماه از وعده شرکت متذکره گذشته و شرکت مطابق وعده و سندی که
برای بنده اعطا نموده بود پول را پرداخت ننموده و در این جریان بنده از بعضی اشخاصی دیگر قرضدار
بودم که باید از اخذ پول سیزده هزار دالر قرض های مردم را بپردازم اما شرکت پول را پرداخت ننمود بنده

مجبورا به شرکت مراجعه نموده اذعان داشتم که از فایده مبلغ سیزده هزار دالر گذشته اصل پولی را که
همانا ده هزار دالر امریکایی میگردد پرداخت نمایند تا به قرضدارهای خود پرداخت نمایم در این میان نفر
دوم که یکی از معامله داران شرکت متذکره بود حاضر خواهان همین ده بوجی پسته بنده در مقابل ده هزار
دالر امریکایی میگردد و از من تقاضا نمود تا سند فروش که قبلا بنام شرکت اعطا نموده بودم بنام وی اعطا
نمایم بنده جنسی را که عملا به مبلغ سیزده هزار دالر امریکایی به جانب شرکت معامله نموده بودم بنا بر
ضرورت جدی در مقابل ده هزار دالر با خریدار جدید معاوضه نموده بعد از اخذ مبلغ متذکره سند جدید
فروش را بنام وی اعطا نمودم شرکت با خریدار جدید مواجه شد ایشان بین هم در قسمت پرداخت پول به
تفاهم رسیدن و بنده از این معامله با اخذ ده هزار دالر بیرون شدم

اکنون بعد از هشت ماه خریدار جدید دوباره مراجعه نموده خواهان بازگشت پول خود میباشد به دلیل
اینکه معامله صورت گرفته از نظر فقهی سود است گردیده است ،

اما از نظر بنده در صورتی که معامله از نظر فقهی سود باشد میتواند با پرداخت سه هزار دالر دیگر که
همان سیزده هزار دالر میشود خود را از سود خوردن برهاند در غیر آن ادعای بعد از مدت هشت ماه خود
نوع دسیسه به منظور بازگردانیدن پول که قبلا به مصرف رسیده است چیزی دیگر بوده نمی تواند ،

از ریاست مجمع علمی وزارت ارشاد حج و اوقاف خواهانم در قسمت فتوی در این خصوص ما را راهنمایی
نموده و در حل مشکل ما با ما همکاری نمایید . با احترام ،

حکم مقام محترم ریاست: آمریت افتاء! در مورد شرعا ابراز نظر نماید ،

الجواب باسم ملهم الصواب

حامدا لله ومصليا على رسول الله

مستفتی محترم! آنچه را شما در متن استفتاء خود ذکر نموده اید در خصوص آن چنین باید گفت: که اگر واقعیت قضیه همان طور باشد که شما ذکر نموده اید یعنی شما به مقدار ده بوجی مغز پسته وطنی خویش را بالای شرکت علی سینا رسولی به فروش رسانیده بودید که قیمت آن جمعا مبلغ (۱۳۰۰۰)

دلرامریکایی را احتوا می کرد و بعد نسبت عدم پرداخت مبلغ متذکره از سوی شرکت شما عملا معامله را با طرف شرکت فسخ میکنید و با شخصی دیگر که یکی از معامله داران شرکت متذکره بوده است عقد جدید را در عوض مبلغ ده هزار دلرامریکایی انجام داده، ده بوجی مغز پسته را برای موصوف تسلیم داده پول آن را از نزد وی تسلیم شده اید، ولی حالا شخص طرف معامله شما به ظن اینکه این معامله انجام شده میان شما و آن ها سود بوده است میخواهد آن را فسخ نماید، در این مورد باید بگویم که آنچه را طرف معامله شما دلیل فسخ بیع با شما عنوان کرده است یعنی سودی و حرام بودن این معامله، از لحاظ فقهی و شرعی این ادعای درست نیست زیرا هیچ دلیلی بر اینکه سود بودن این معامله را نشان دهد وجود ندارد زیرا معامله اولی را شما با شرکت فسخ و یا اقاله نموده دوباره این معامله را با نرخ نازلتر با یکی از سهم داران شرکت انجام داده اید که این دو عقد جدید و متفاوت است که با رضایت طرفین صورت گرفته است، و هیچ علت و دلیل ظاهرا برای تحقق معامله سودی در این قضیه مشاهده نمی گردد، و اگر طرف معامله شما را از این عبارت مشهور فقهاء { **شراء ما باع بأقل مما باعه** } سوء تفاهم رخ داده باشد برای وضاحت آن باید بگویم که مفهوم این عبارت این است که **بایع یعنی فروشنده جنس را که قبلا به نرخ بالا فروخته است و هنوز ثمن و قیمت آن را از نزد مشتری قبض نکرده باشد همان جنس را از نزد خریدار به نرخ نازلتر و کم تر از نرخ که آن را قبلا فروخته است**، خریداری نمی تواند و این حکم در معامله شما قابل تطبیق نیست و بر این اساس کسی ادعای فسخ عقد را نمی تواند کند،

و همچنان آنچه به عنوان مدت خیار برای بایع و مشتری در عقد بیع نزد فقهاء حنفی علیهم الرحمة والرضوان در نظر گرفته شده است آن نیز سپری شده که به اساس آن هم مشتری حق ادعای فسخ نمودن این عقد را ندارد مگر اینکه خود شما با او موافقه کنید و یا به اقاله راضی شوید،

والدلیل علی ما قلناه:

۱. { **وفسد شراء ما باع الخ** } أي لو باع شيئا وقبضه المشتري ولم يقبض البائع الثمن فاشتره بأقل من الثمن الأول لا يجوز زيلعي أي سواء كان الثمن الأول حالا أو مؤجلا { حاشیه ابن عابدین ج ۱ ص ۱۵۸ طبع: مطبعة عثمانیه،

٢. أي لم يجز شراء البائع ما باع بأقل مما باع قبل نقد الثمن فهو مرفوع عطفًا على بيع لأنه مجرور عطفًا على المجرورات ((المجرورات)) لأنه لو كان كذلك لصار المعنى لم يجز بيع شيء وهو فاسد وإنما منعنا جوازه استدلالًا بقول عائشة رضي الله تعالى عنها لتلك المرأة وقد باعت بستمائة بعدما اشترت بثمانمائة بئس ما شريت واشتريت ابلغني ((أبلغني)) زيد بن أرقم أن الله تعالى أبطل حجه وجهاده مع رسول الله إن لم يتب ولأن الثمن لم يدخل في ضمانه فإذا وصل إليه المبيع وقعت المقاصصة فبقي له فضل بلا عوض بخلاف ما إذا باع بالعرض لأن الفضل إنما يظهر عند المجانسة {البحر الرائق ج ٦ ص ١٣٦ طبع: مكتبة حقانيه, باب البيع الفاسد,

٣. } وأما ركنه فنوعان أحدهما الإيجاب والقبول والثاني التعاطي وهو الأخذ والإعطاء كذا في محيط السرخسي - وأما شرط لزوم فخلوه عن الخيارات الأربعة المشهورة وغيرها هكذا في البحر الرائق وأما حكمه فثبوت الملك في المبيع للمشتري وفي الثمن للبائع إذا كان البيع باتًا {الفتاوى الهندية ج ٣ ص ٢/ طبع: مكتبة حقانيه,

٤. وأما شرائط لزوم البيع بعد انعقاده ونفاذه وصحته فواحد وهو أن يكون خاليًا عن خيارات أربعة خيار التعيين وخيار الشرط وخيار العيب وخيار الرؤية فلا يلزم مع أحد هذه الخيارات وهذا عندنا {بدائع الصنائع ج ٥ ص ٣٣٨/ طبع: دار الفكر,

٥. الربا وأحكامه وهو في الشرع عبارة عن فضل مال لا يقابله عوض في معاوضة مال بمال وهو محرم في كل مكيل وموزون بيع مع جنسه وعلته القدر والجنس ونعني بالقدر الكيل فيما يكال والوزن فيما يوزن {الفتاوى الهندية ج ٣ ص ١١٧/ طبع: مكتبة حقانيه,

٦. الإقالة المناسبة ظاهرة وهي شاملة لكل عقد بيع صحيحا كان أو مكروها فيفسخ إقالة بالتراضي وإن كان واجبا في المكروه تحريما دافعا ((دفعًا)) للمعصية أو فاسدا فيفسخ بدون التراضي إما من أحدهما أو من القاضي جبرا كما قدمناه فاشترك المكروه والفساد في وجوب الدفع {البحر الرائق ج ٦ ص ١٦٧/ طبع: مكتبة حقانيه,

والله اعلم وعلمه اتم

راقم الحروف "محمد عارف" مصلح